

بیانیه حزب حکمتیست

“تحولات مهم خاورمیانه و شمال آفریقا و پیامدهای آن بر ایران”

۱- تحولات انقلابی: آغازی نو

شمال آفریقا، خاورمیانه و کشورهای عربی تحولات بزرگ و دوران جدیدی را تجربه میکنند. در وهله اول پیشروی انقلاب تونس و مصر و به زیر کشیدن حاکمان مستبد و فاسد موجی از امید و شادی را در سراسر دنیا و به ویژه در کشورهای عربی دامن زد. بار دیگر اراده کارگران و مردم جان به لب رسیده از پایین جامعه، پیام آور رهایی از فقر و ستم و از استبداد و اختناق شد. زنجیره این اعتراضات اجتماعی به همه کشورهای عربی گسترش پیدا کرد. دولتهای بورژوازی حاکم یکی پس از دیگری مجبور به عقب نشینی های معین سیاسی و اقتصادی شدند. اما این تمهیدات نه تنها نتوانست اعتراضات مردم در این کشورها را سد کند، بر عکس جسارت و اتحاد مردم را برای ادامه جنبش اعتراضی علیه دولتهای حاکم کنونی جدیتر کرد. ادامه اعتراضات وسیع اجتماعی در اکثر کشورهای عربی گواه این واقعیت و آغازی نو بر احیای انقلابیگری و اراده مردم برای به دست گرفتن سرنوشت خود در دنیای معاصر است.

ص ۲

اول مه، سنتی طبقاتی پاخورده و آشنا برای کارگران کردستان

“گفتگوی رادیو پرتو با مظفر محمدی”

پرتو: میخواستیم در مورد اول مه ماه مه مشخصا در میان کارگران و جامعه کردستان صحبت کنیم. اول مه در کردستان از دو لحاظ مورد توجه است. یکی این است که کمونیسم در کردستان جای پای گسترده ای دارد و اجتماعی و توده ای تر است و دوم به خاطر سوابق اول مه های بزرگ و قدرتمند و کشمکش با جمهوری اسلامی بر سر آن. به نظر شما تدارک و استقبال از اول مه سال ۱۳۹۰ با وضعیتی که طبقه کارگر در ایران و در کردستان دارد، چگونه است؟

مظفر محمدی: همانطور که خودتان هم گفتید اول مه برای کارگران در کردستان پدیده خیلی آشنایی است. حتی میتوان گفت که شهرهای کردستان و بخصوص شهر سنندج به عنوان شهر اول مه ها شناخته شده است. هر سال رسم بر این بوده که از همان اوایل فروردین به بعد، کم کم کارگران کمونیست و فعالین کارگری به این فکر میافتند که چه جوری تدارک اول مه را ببینند. از جنوب تا شمال کردستان شبکه های فعالین کارگری با هم ارتباط برقرار میکنند، مشورت می کنند، حتی جلسات مکرر میگیرند، نهایتا کمیته های برگزاری اول مه را تشکیل داده و بعضا دنبال دولت و اداره کار و استانداریها برای مجوز میروند که بهر حال جنبه قانونی کار است. منتهی هیچوقت منتظر این اجازه ها هم نمیشوند.

ص ۴

سفر احمدی نژاد به کردستان دهن گچی به مردم است

ص ۷

کردستان عراق، دو ماه جدال برای آزادی

ص ۸

جامعه به شما چشم دوخته است**کارگران!**

اول مه، روز همبستگی و اتحاد بین المللی طبقه کارگر در حالی فرا می رسد که نسیم آزادیخواهی و برابری طلبی و حقوقی و انساندوستی تمام منطقه از شمال آفریقا تا خاورمیانه و کشورهای قفقاز و تا کردستان عراق و میدان آزادی شهر سلیمانیه را در بر گرفته است.

این تحولات آزادیبخش، برای شما کارگران در کردستان که تجارب گرانیهایی از اتحاد و همدلی و هماهنگی در گرامیداشت اول مه ها را در تمام این سالها پشت سر دارید، امید و الهام بخش شما در اول مه سال ۱۳۹۰ است.

کارگران و خانواده هایشان در شهرهای کردستان یک صف چند میلیونی انسانهای شریف و زحمتکش را تشکیل می دهد. اول مه امسال می تواند شاهد حضور شما در جشن طبقاتی تان در مراکز کار و در محلات زندگی باشد.

محافل و شبکه های فعالین و رهبران کارگری، سندیکاها و تشکلهای کارگری می توانند لولای اتحاد و تشکیل تجمعات کارگری و خانواده هایشان در کارخانه ها و سالن سندیکاها، محلات کارگری و خیابان ها و میادین شهرها باشد.

رفقا و دوستان!

اول مه امسال، مصادف با تعرض به سطح معیشت کارگران، حذف یارانه ها، تورم و گرانی سرسام آور، تنزل قدرت خرید کارگران و زحمتکشان و تحمیل فلاکت بیشتر به طبقه کارگر است.

روز اول مه برای شما کارگران در کردستان هموش با هم طبقه ای های خود در سراسر ایران، روز رساندن پیام و صدای اعتراض تان به وضع موجود است. اول مه روزی است که شما این سوال را در مقابل سرمایه داران و حاکمان و زورمندان و در مقابل کل جامعه قرار میدهید که چرا کارگری که همه نعمات و وسایل و نیازهای بشر را تامین میکند اما از نتیجه و محصول کار خود بی بهره است؟ چرا اکثریت کارکن جامعه محرومند و اقلیت مفت خور همه کاره اند و صاحب همه چیز حتی نیروی کار بازوان کارگران اند! این دنیای وارونه ای است.

اول مه همچنین روز اعلام حمایت شما از همسرنوشتان بپاخاسته تان در نزدیک ترین جغرافیای پیوسته به شما در خیابان ها و میادین شهرهای کردستان عراق و در میدان آزادی شهر سلیمانیه است.

جامعه تشنه آزادی و برابری، به شما کارگران، به شما شبکه های فعالین کارگری به سندیکاها و کارگری تان در خبازی ها، به کارگران شهرک های صنعتی، کارگران خدمات شهری و مراکز صنعتی





۲- تحولات لیبی و پیامدهای آن

بر بستر این موج اعتراضی که اکثر کشورهای عربی را در بر گرفت، مردم حق طلب لیبی هم به میدان آمدند. سرعت به کنترل این رژیم بر بسیاری از شهرها و مناطق کشور پایان دادند. یکسره کردن کار هیئت حاکمه و قذافی در چشم انداز بود. اما رژیم فوق ارتجاعی قذافی در نبرد مرگ و زندگی نهایی خود با مردم، در ابعادی بیسابقه، با تکیه بر ماشین نظامی و ارتش و مزدوران مسلح از زمین و هوا و با اسلحه سنگین بر روی اجتماعات اعتراضی و صف تظاهرات و میتینگهای مردمی آتش گشود. میلیتاریزه شدن فضای جامعه و شروع جنگ داخلی مسیر تحرک سیاسی اعتراضی در جامعه لیبی را تغییر داد. بعلاوه مقاومت ارتجاع حاکم لیبی به حکام بورژوازی در منطقه قوت قلب داد. دولتهای غربی با سرمایه گذاری بر آشفتهگی اوضاع دست به دخالت نظامی زدند. بر خلاف روند انقلابی طی شده در تونس و مصر، سیر اوضاع در لیبی بار دیگر به قدرتهای بزرگ جهانی فرصت داد که با اتکاء به قدرتی نظامی، تحولات انقلابی را در مسیر منافع اقتصادی سیاسی خود کنترل کرده و اراده انقلابی مردم بپاخاسته را پایمال کنند. این رویداد و در کنار آن دخالت نظامی عربستان سعودی در بحرین با تایید ضمنی آمریکا و اروپا و بالاگرفتن تنش میان ایران و بحرین و کشورهای خلیج بخشهایی از تلاش ضدانقلاب بورژواامپریالیستی جهانی و دولتهای بورژوازی منطقه در مقابل تحولات انقلابی است که از تونس و مصر آغاز شد.

علیرغم فاکتور منفی دخالت نظامی قدرتهای بزرگ و ناتو و ترفندهای دولتهای منطقه و پیچیده تر شدن اوضاع، جنبش اعتراضی و حق طلبانه در کشورهای منطقه کماکان ادامه داشته و دارد. در یک ماهه اخیر امواج اعتراضات

و تظاهراتها در عربستان سعودی، مراکش، الجزائر، بحرین، کویت، اردن و با تداوم بیشتر در عراق و کردستان عراق و یمن و سوریه گسترش پیدا کرده است. امید به اراده مردم برای تعیین تکلیف با حاکمیتهای ارتجاعی کماکان در دستور کار است. به این اعتبار میتوان تاکید کرد که فرصتی تعیین کننده در مقابل طبقه کارگر و کمونیسم این جوامع باز شده است. فرصتی که طبقه کارگر متحد و متشکل حول سیاست و تحزب کمونیستی میتواند تناسب قوا را به نفع بهبود جدی زندگی و معیشت خود تغییر دهد. عقب نشینی های اساسی به حاکمان سرمایه تحمیل کند و در راستای تعیین تکلیف قطعی با نظامهای استثمارگر سرمایه در این کشورها گام بردارد.

۳- تاثیرات تحولات جدید منطقه بر ایران
ایران به عنوان یکی از مهمترین کشورهای خاورمیانه در بطن این تحولات قرار دارد و نمیتواند قرنطینه بماند. صورت مسئله برای کمونیسم و حزب کمونیستی دخالتگر دیدن فاکتورهای مختلف تاثیرگذار و به دست گرفتن ابتکار عمل برای استفاده موثر از شرایط مساعد پیش آمده برای پیشبرد جنبش طبقاتی و انقلابی در جامعه است. تاثیرات و بازتاب این اوضاع بر فضای سیاسی ایران را در چند وجه میتوان برشمرد. از جمله:

الف- دینامیسم پایه ای مبارزه علیه فقر و گرانی و علیه استبداد و اختناق و برای آزادیهای سیاسی که انگیزه اصلی به میدان آمدن کارگر و مردم تونس و مصر بود و در اعتراضات مردم ایران ریشه جدی دارد، با الهام از این وضعیت در اعتراضات آتی جامعه ایران موقعیت برجسته تری پیدا خواهد کرد.

ب- انقلاب مصر و تونس از طرفی اعتماد مجدد به تغییر از پائین را در میان طبقه کارگر و مردم معترض تقویت کرده و از

طرف دیگر پوچی امید و چشم دوختن به تغییر از بالا و از طریق دست بدست شدن قدرت میان جناحهای مختلف بورژوازی را بیش از پیش روشن کرد.

این مولفه تناسب قوای مساعدتری را برای پیشبرد مبارزه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی فراهم خواهد کرد.

ج - سران جمهوری اسلامی به شدت از اوضاع نگرانند. این را در یکدست کردن هرچه بیشتر خود برای مقابله با مردم و شمشیر را از رو بستن علیه جامعه، در بگیر و ببندها و تشدید سرکوب و تهدید به "خونین کردن" سال آتی توسط سرکردگان جنایتکار سپاه پاسداران، در تلاش برای تحمیل مردم با اتکاء به تبلیغات واهی "گسترش نهضت های اسلامی" در منطقه و در تنش آفرینی با بحرین و دولتهای خلیج، جهت منحرف کردن اذهان عمومی و دیگر ترفندهای شناخته شده نشان داده اند.

د- یک بعد دیگر انعکاس این تحولات در تحرک مجدد جنبشهای بورژوازی اپوزیسیون بر بستر مشترک کنونی آنها یعنی جنبش سبز است. جنبش بورژوازی سبز به بهانه "حمایت از جنبشهای منطقه" تقلا کرد کالبد بی جان خود را زنده کند، که از جانب مردم و جامعه جواب نگرفت و با ناکامی روبرو شد. اکنون حواریون سردرگم چپ و راست آن میخواهند با حک و اصلاح، این جنبش بازنده را در بسته بندی جدید دوباره لانس کنند. امیدهای واهی ناسیونالیسم ایرانی پروغرب و خاک پاشیدنیهای کمونیسم بورژوازی در چشم کارگر و مردم به "انقلاب مخملی سبز" انعکاس این وضعیت است.

۴- تحولات منطقه و رسالت طبقه کارگر و کمونیسم ایران

تاثیرات این تحولات منطقه ای بر جامعه ایران واضح است، اما چگونگی شکل



و معادن، به ده ها هزار کارگر فصلی و پروژه ای و صف وسیعی از کارگران بیکار ... چشم دوخته است.

مردم شهرهای کردستان، زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، منتظرند تا شاهد و همراه میتینگ ها و تجمعات کارگری شما در شهرهایشان باشند. شاهد جشن طبقاتی شما و خانواده هایتان و شاهد خنده و سرور کودکانتان باشند. شاهد ایفای نقش رهبری طبقه کارگر در مبارزات انساندوستانه و آزادیخواهانه شان باشند.

سرازیر شدن توده عظیم کارگران در اول مه، دست در دست همسران و فرزندان خود در رژه های خیابانی، در تجمعات بزرگ کارگری ... و بهر شکل ممکن، می تواند برای همه شهروندان جامعه از زن و مرد و پیر و جوان، امید دهنده و الهام بخش باشد. کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن شادباش اول مه روز جهانی کارگر، با شما و خانواده هایتان در جشن و مراسم ها و میتینگ و تجمعات و رژه شما در اول مه و روز جهانی کارگر و در کنار تان قرار دارد.

زنده باد اول مه برای اتحاد طبقاتی کارگران!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اردیبهشت ۱۳۹۰ (مه ۲۰۱۱)



گیری روندهای سیاسی متأثر از این تحولات از هم اکنون قابل پیش بینی نیست. مولفه های متعدد منطقه ای و کشوری و مهمتر وزن و جایگاه هر یک از جنبشها و احزاب سیاسی در شکل دادن به این روندها تاثیر جدی دارند. ایران کشوری بزرگ و دارای موقعیت ژئوپولیتیک حساس در منطقه است. بورژوازی و طبقه کارگر آن هر دو با استفاده از تجارب انقلاب ۵۷ آگاهتر به منافع خود، تجربه و پختگی بیشتری دارند. سیر تحولات و جابجاییهای قدرت مسیر پیچیده تری را طی خواهد کرد. با شکستن قدر قدرتی جمهوری اسلامی، سناریوهای مختلف به جلو صحنه رانده خواهند شد. یکی از امکانات به تباهی کشاندن جامعه، توسط بورژوازی در پوزیسیون و اپوزیسیون، است. سناریویی که فقط حضور قدرتمند طبقه کارگر و حزب آن میتواند مانع تحقق آن شود. تنها ضامن تغییر اوضاع به نفع کارگران و مردم و رهایی جامعه از فقر و فلاکت و ستم و استثمار حضور طبقه کارگر آگاه و متحد و متشکل تحت رهبری حزب کمونیستی خود است. بر این اساس طبقه کارگر و کمونیسم طبقه کارگر ایران از هم اکنون باید با هوشیاری تمام خود را برای اوضاع پیش رو آماده کرده و مبتکر تغییر گام به گام تناسب قوا به نفع صف آزادیخواهی و برابری طلبی باشد. سابقه و تجربه مبارزاتی طبقه کارگر و کمونیسم طبقه کارگر ایران این واقعیت را نشان میدهد که برای ایفای چنین نقشی مستعدتر از هم طبقه ایهای خود در دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه است. اما ضامن تحقق این رسالت تماما در گرو به میدان کشیدن صف متمایز کمونیستی کارگری تحت رهبری حزب کمونیستی خود در دل این تحولات بزرگ و کارساز است. در این راستا کمونیسم طبقه کارگر و حزب حکمتیست باید خود را سرعت برای دوره جدید آماده کرده و در عرصه های زیر جوابگوی وظایف این دوره باشد.

۵- جنبش اعتراضی آتی: سرنگونی جمهوری اسلامی، تامین آزادی و برابری
یکی از تاثیرات قابل پیش بینی تحولات خاورمیانه، بر بطن تناسب قوای جدید منطقه ای، تشدید تحرک اعتراضی حق طلبانه علیه وضع موجود در جامعه ایران است. گسترش مبارزات اقتصادی و مطالباتی طبقه کارگر در مراکز کارگری، شکل گرفتن حرکت اعتراضی علیه فقر و گرانی و علیه استبداد و اختناق و برای آزادیهای سیاسی در آینده محتمل است. جنبش اعتراضی که این بار سربرآورد بر

خلاف تحرک اعتراضی دو سال گذشته که تحت هژمونی سبز بود، پتانسیل و سیمای سیاسی اش را نه بر شکافهای درون جمهوری اسلامی و بورژوازی، بلکه بر پایه ای متفاوت از اعماق جامعه بنا میکند و به عنوان صدای رسای میلیونها انسان علیه بانین گرسنگی و فقر و حاکمیت استبداد و اختناق به میدان میاید. به میدان آمدن هر تحرک اعتراضی انقلابی در ایران خیلی زود به تقابل سیاسی با جمهوری اسلامی گره میخورد. در این راستا سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط هر تحول جدی اقتصادی و سیاسی در حیات طبقه کارگر و مردم خواستار پایان دادن به وضع موجود است. کارگران و مردم آزادیخواه با انداختن جمهوری اسلامی به چیزی کمتر از تامین آزادی و برابری تن نخواهند داد. بر این اساس سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری محور هر پرچم سیاسی ای است که طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی در جنبش اعتراضی آتی برمی افرازد و بار دیگر و در شرایط تحولات پیش رو بر آن پا میفشارد.

۶- پرچمهای بورژوازی را باید ایزوله کرد.

در بطن تحولات آتی جنبشها و پرچمهای بورژوازی مختلف دوباره به میدان میایند. نقش هر یک از جنبشهای بورژوازی قابل اعتناء سهم بری از قدرت سیاسی علیه کارگر و مردم و صف آزادیخواهی است. در این میان جنبش ناکام مانده سبز هنوز بستر مشترک بخش زیادی از جریانات بورژوازی است. این جنبش با حک و اصلاح خود در دوره آتی با ریاکاری و "رادیکال نمایی" و همسو نشان دادن خود با اعتراض و حق طلبی مردم، چیزی جز "انقلاب سبز مخملی" ضد کارگری و ضد مردمی را وعده نخواهد داد. تجربه دو سال گذشته ارتجاع سبز تحمیل عقب گردی تعیین کننده به همه عرصه های جنبش اعتراضی حق طلبانه در جامعه ایران است. کارگران و مردم آزادیخواه با گفتن "نه" قاطع به پلانتفرم و شعار و ترفندها و صف جنبش بورژوازی سبز، با انتخاب صف مستقل خود و با برافراشتن پرچم سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی و برابری، میتوانند و باید جنبشهای بورژوازی و از جمله جنبش ارتجاعی سبز را ایزوله و به حاشیه برانند.

۷- اتحاد و تشکل طبقاتی حیاتی است
طبقه کارگر و صف جنبش اعتراضی هم اکنون و در مصافهای پیش رو به اتحاد و

تشکل محکم طبقاتی نیازحیاتی دارد. سه دهه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی اتحاد و تشکل یابی توده ای را از کارگران و مردم معترض سلب کرده است. در شرایط جدید پیش رو امکان سازمانیابی کارگری و توده ای بیشتر میشود. رهبران و فعالین کمونیست کارگران و مردم آزادیخواه باید از فرصت و فرجه های احتمالی پیش رو برای ایجاد بیشترین اتحاد و تشکل محکم طبقاتی و مبارزاتی اقدام کنند. صف بندی محکم چه در مبارزات کنونی و چه در مصافهای تعیین کننده آتی، سازمانیابی محکم توده ای را میطلبد. جنبش برپایی مجامع عمومی در مراکز و محیط های کارگری در محلات و محیط زیست مردم معترض را میتوان و باید به ستون فقرات سازمانیابی توده ای تبدیل کرد.

۸- تحزب کمونیستی طبقه کارگر

یک درس بزرگ تحولات اخیر در مصر و تونس و کشورهای منطقه این است که طبقه کارگر بدون حزب کمونیستی روشن بین اجتماعی و مدعی قدرت سیاسی نمیتواند در نبردهای جاری طبقاتی گامهای موثر و تعیین کننده بردارد. تجارب مبارزاتی سه دهه اخیر طبقه کارگر ایران و شکل گیری قطب کمونیستی روشن بین پرولتری امکان سازمانیابی کمونیستی طبقه کارگر را مساعدتر کرده است. در دوره پیش رو گرایش کمونیستی طبقه کارگر و کارگران کمونیست میتوانند با اتحاد و تشکل در تحزب کمونیستی و حزب حکمتیست پیش از پیش به نیروی محرکه هدایت کننده همه وجوه فعالیت طبقاتی و اجتماعی خویش متکی شوند. دوره جدید در عین حال دوره تقویت و استحکام تحزب کمونیستی توسط کارگران کمونیست و رهبران عملی طبقه کارگر است.

۹- حزب حکمتیست و دوره جدید

الف - بر متن تحولات بزرگ جاری و پیامدهای آن در ایران، حزب حکمتیست متوجه باز شدن فرجه های جدید بر روی طبقه کارگر و کمونیسم پرولتری در ایران بوده و به استقبال آن میروند. حزب حکمتیست با درک روشن از این وضعیت جدید توجه طبقه کارگر و به ویژه کارگران کمونیست، رهبران کارگری و فعالین کمونیست همه عرصه های مبارزه اجتماعی را به مصافها و وظایف جدید پیش رو جلب میکند.

ب - حزب حکمتیست پیشاپیش نیروی طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی پرچم مبارزه قاطع علیه فقر و



اول مه، سنتی طبقاتی پاختورده و آشنا برای کارگران کردستان

ادامه از صفحه ۱

به این لحاظ اول مه برای هر تک کارگری که حتی مدت کوتاهی در کردستان کار و زندگی کرده باشد و یک بار تجربه اول مه را دیده باشد یا زمزمه هایش را شنیده باشد، پدیده ای پاخورده و کاملا آشنا است. در مواقعی هم اگر نگذاشته اند کارگران در روز کارگر، تجمع بزرگی برپا کنند، نفس همین جنب و جوش ها و زمزمه ها و فعالیتها و جلسات مکرر در محافل کارگری و بحث بر سر اول مه و کشمکش با دولت و غیره نه تنها برای کارگران در ایران و کردستان، بلکه برای اقشار غیر کارگر هم خیلی آشنا است. همه از زنان و جوانان و از دانشگاه ها تا مغازه دارها گوش به زنگ اند که امسال کارگران چکار میکنند. اگر مقایسه ای بکنیم، در بعضی نقاط جهان که این سنت ضعیف است اول باید رفت و آژیتاسیون کرد و به کارگران یادآوری کرد که اول مه است و تدارک ببینند و غیره. اما این مساله برای کارگران و فعالین کارگری در کردستان اینقدر بدیهی است که مطلقا جای بحث نیست. لزومی به یادآوری یا تاکید بر این که مثلا به کارگران گفته شود در تدارک اول مه باشید و به استقبال اول مه بروید، نیست. خودشان بدوا این کار را میکنند و آنقدر آشنا و خیره هستند که من شخصا جای هیچ بحثی در آن نمی بینم.

پرتو: علی رغم اینکه اول مه در میان کارگران زمینه دارد و شما هم اشاره کردید و اول مه های قدرتمندی مانند در

سال های اخیر را به خاطر میاوریم که هزاران کارگر تجمعات بزرگی برگزار کردند. منتها نوسانات مختلفی هم وجود داشته است. مراسم محدودتر یا اینکه به کوهپایه ها کشیده شده و تا جایی که حتی فعالین اول مه را جمهوری اسلامی محکوم کرد و حتی میخواست که شلاق هم بزند. آیا این نوسانات به دلیل سرکوب جمهوری اسلامی است یا دلایل دیگری هم دارد؟

مظفر محمدی: طبعا دلایل متعددی هست. همیشه این نوسانات مربوط بوده به توازن قوا. هر جا کارگران متحدتر، متشکلاتر، آماده تر رفته اند پای قضیه، توانسته اند از عهده آن برآیند. هر جا دولت بیشتر زورش رسیده و توازن قوا اجازه نداده کارگران را دچار محدودیت کرده است. طبعا رژیم هر سال بهانه های خود را دارد و داشته. بخصوص از دوره دولت احمدی نژاد به بعد و در سالهای اخیر که فشار اختناق بیشتر بوده و کارگران بیشترین سرکوب را متحمل شده اند. طبعا یکی از دلایلیش این بوده است. یک جنبه دیگر این است که کارگران بخصوص در کردستان همواره تلاش کرده اند که متشکل شوند. در مجامع عمومی شان، در شوراهای کارخانه شان مانند شورای شاهو که خیلی مشهور است، اتحادیه صنعتگر را زمانی داشتیم. کارگران خباز که در سندیکای خود متشکل اند و هزاران عضو دارد. هر وقت کارگران از تشکلهای خودشان استفاده کرده اند باز توانسته اند در اول مه ابراز وجود قدرتمند

کنند و در اعتصاباتشان هم موفق تر باشند. اعتصاب بزرگ کارگران نساجی کردستان و شاهو را داشتیم. هر جا عقب نشینی به کارگران تحمیل کرده باشند طبیعتا در اول مه هم تاثیر داشته است. یکی از جنبه هایش در همین سالهای اخیر دستگیری فعالین اول مه بوده است و همانطور که شما هم گفتید حتی تهدید به شلاق و بی حرمتی هم شده اند. نتیجتا در بعضی موارد هم کارگران را به خارج از شهرها برای برپایی مراسم روانه ساخته اند. امسال به نظر من اوضاع مقداری متفاوت است. ما الان با دو پدیده روبرو هستیم. یکی همین تجارب خود کارگران است. دوم در آستانه اول مه تحولات بزرگی در منطقه در جریان است. از شمال آفریقا و خاورمیانه تا قفقاز و همه همسایه های ایران تا کردستان عراق و چسبیده به کردستان ایران در سلیمانیه و میدان آزادی این شهر... همه نشان میدهند که فضای بسیار مناسبی است برای اینکه طبقه کارگر به عنوان توازن قوای مساعدی از آن استفاده کند.

شکی نیست که جمهوری اسلامی هم در مقابل این وضعیت کمر بندهایش را سفت کرده و حتی برای مثال در نوروز امسال شهر سنج را از نیروی انتظامی تخلیه و به جای آن نیروهای پاسدار را به میدان آورد. جمهوری اسلامی زورش را می زند تا جلو کارگران را بگیرد. منتهی اول ماه مه نه جنگ است نه روز سرنگونی جمهوری اسلامی است. کارگران با همان سنتها و تجارب قبلی و



خاورمیانه و شمال آفریقا در این دوره به طور ویژه همگامی و حمایت از هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان به عنوان احزاب کمونیستی طبقه کارگر که هم اکنون درگیر اعتراضات اجتماعی گسترده این جوامع هستند، از اهم وظایف خود میداند و طبقه کارگر در ایران را به حمایت فعال از مبارزات هم طبقه ای های خود فرا میخواند.

کارگران، کمونیستها، آزادیخواهان

برای دخالت فعالانه در تحولات پیش رو به صف جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، به صف حزب حکمتیست بیبوندید.

حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

بیست و نهم فروردین ۱۳۹۰-

هیجدهم آوریل ۲۰۱۱

و برای سرنگونی جمهوری اسلامی بکار میگیرد.

ج- حزب حکمتیست حساسیت طبقه کارگر و کمونیستها را به خطرات احتمالی سناریوهای ضد کارگری و ضد مردمی بورژوا- امپریالیستی مشابه لیبی و سناریو سیاه در مسیر تحولات آتی و کسب آمادگی برای مقابله با آنها جلب میکند. در این راستا علاوه بر اتحاد و تشکل طبقاتی و گرد آمدن حول سیاست کمونیستی، تکیه بر سازماندهی اهرم اقتداری چون گارد آزادی به عنوان نیروی میلیتانت دفاع از خود مردم در محلات و شهرها تاکید میکند.

د- حزب حکمتیست ضمن حمایت از جنبشهای حق طلبانه کارگران و مردم و سازمانها و احزاب رادیکال در کشورهای



گرسنگی، علیه استبداد و اختناق و برای سرنگونی فوری جمهوری اسلامی و تامین آزادی و برابری را برافراشته است. حزب ما برای تحقق این هدف به مبارزه آگاهانه و متشکل و ابتکار و خلاقیت کارگران کمونیست و رهبران کارگری در مراکز کارگری در مبارزه اقتصادی برای بهبود زندگی و در جدالهای سیاسی آتی، به اعتراض نسل جوان آزادیخواه و برابری طلب در جامعه و دانشگاه، به جنبش رهانی زن، به پتانسیل و قدرت اجتماعی کمونیستها در جامعه کردستان متکی است و نفوذ کلام و قدرت اجتماعی و حزبی خود در این عرصه ها را برای به میدان کشیدن جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی علیه نظم موجود، علیه فقر و گرسنگی



با مطالبات و شعارها و آمادگی هایی که قبلا داشته اند، امسال هم میتوانند در فضای مساعدتر به میدان بیایند و یکی دیگر از نمونه های خوب اول مه را در تاریخ جنبش طبقاتی خود ثبت کنند.

پرتو: شما نکته مهمی را اشاره میکنید که امروز نه روز جنگ است نه روز سرنگونی جمهوری اسلامی. در اطلاعیه ای که کمیته کردستان حزب حکمتیست هم منتشر کرده به عنوان یک روز همبستگی و حتی جشن کارگران و جامعه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب اسم آورده شده. فکر میکنید این چه تاکیدی را در مقابل دست اندرکاران و فعالین اول مه میگذارد؟

مظفر محمدی: من شخصا از تجارب فعالین کارگری آموخته ام و شاهد بوده ام که در این سالهای اخیر کارگران چقدر تلاش کرده اند که توده وسیع کارگر را به میدان بیاورند. به یاد دارم که در یکی از همین اول مه ها فعالین کارگری به مناسبت روز کارگر پیام دعوتی را خطاب به توده کارگران و خانواده هایشان و مردم زحمتکش دادند. و تلاش کردند حمایت وسیع کارگران بخش های مختلف از قبیل کارگران نساجی ها، کارگران ساختمانی، خبازان، کارگران فصلی پروژه ای، کارگران کارگاههای کوچک و شهرکهای صنعتی و کارگران شهرداریها را برای این پیام بگیرند.

در بخشی از این پیام آمده است: "... اول مه یک روز و یک فرصت دیگر است تا به خودمان، به همه کارگران از این شهر و کشور تا همه شهرها و کشورهای جهان بگوییم که اگر تولید همه نعمات بشری دست ما است، چرا خود ما نباید از این نعمات بهره مند باشیم." همچنین در خطابه پایانی این پیام آمده است: "همشهریان، زنان، جوانان، معلمان، کارمندان، پرستاران، دوستان! روز اول مه به جشن ما کارگران بیابید. بیابید با خیل عظیم سازندگان جامعه از نزدیک آشنا شوید. با خانواده هایتان به ما و خانواده هایمان بیوندید. بیابید لحظاتی در تجمع ما شریک شوید و پیام ما را جامعه و بیان درد و رنجهای ما را از نزدیک بشنوید. بیابید صمیمانه از پیام و خواستهای ما حمایت کنید. طبقه کارگر تاریخا توانسته است و می تواند سازنده جامعه ای آزاد و شاد و برابر و فارغ از ستم و تبعیض طبقاتی و جنسی و قومی باشد. اول مه روز جهانی کارگر به همه مبارک باد!

محل اجتماع ما کارگران و خانواده هایمان را بموقع به اطلاع عموم می رسانیم..."

میخواهم بگویم که این تجارب به طور واقعی وجود دارد. امسال هم عینا همین است. مهمترین وظیفه کارگران کمونیست و فعالین کارگری این است که دنبال همین سنتها را بگیرند. کارگران با خانواده هایشان در این روز بیرون بیایند. این روز را تعطیل کنند. خود دولت هم بعضا پذیرفته که اول مه تعطیل است. حتی آنجایی که تعدادی از کارگران رفته اند مجوز بگیرند، به آن ها گفته اند، روز کارگر تعطیل است و بروید برای خودتان تفریح کنید. نمیخواهد مراسم بگذارید و تظاهرات کنید...

بنابراین در این روز تعطیل، کارگران می توانند بهمراه خانواده هایشان در صف هزاران نفری به خیابان ها، میدانی شهرها و یا سالن ها و پاتوق های کارگری و یا دفاتر سندیکاهایشان سرازیر شوند. برای مثال سندیکای خبازان در سنج یک سالن و محوطه بزرگ دارد که هزاران کارگر در آن جا میگیرد. خود کارگران خباز هزاران نفراند. اگر از کارگران شعبه های دیگر با خانواده هایشان و کارگران بیکار دعوت کنند، ده هزار کارگر را میتوانند جمع کنند. این کاری است که به نظرم میتواند اتفاق بیافتد.

در همین رابطه هم لازم است اشاره کنم که هر سال و اینجا و آنجا زمزمه هایی هم هست که اگر نگذاشتند، اگر فشار بود و ... ما هم دست خانواده هایمان را میگیریم و میزیم به کوه و به اصطلاح به "گل گشت" می رویم. به نظرم این کار بیفایده ای است. فعالین کارگری اگر صد نفر، پانصد یا حتی هزار نفر را به دامنه های آبی در سنج یا اطراف مهاباد و بیرون از شهرها و انطور که گاه مرسوم بوده به "آبشار خُر" ببرند، هنوز کار مفید و موثری انجام نشده است. کارگران در کارخانه، در محله و در شهر و در جامعه یک قدرت اجتماعی اند. اگر هر تعدادشان از مراکز قدرت اجتماعیشان کنده شوند و به جای دیگری بروند، این قدرت اجتماعی رنگی نخواهد داشت. کارگران باید این حضور اجتماعی را به جامعه و به هم طبقه ای هایشان و به مردم نشان دهند و ابراز وجود کنند، مردم آنها را ببینند، پیامشان را به جامعه برسانند. چشم مردم و دوستان و دشمنان بایستند و جشن شان را برپا کنند و حرفشان را بزنند. میفهمم گاهی اگر آنقدر سرکوب و خفقان باشد و کارگران مجبور شوند بروند

در زیر زمین خانه هایشان در محافلشان و با خانواده هایشان مراسم بگیرند، در این چاره ای نیست. ولی الان مطلقا فضا اینطور نیست. من در اول صحبتهایم گفتم که در توازن قوای کنونی امسال شرایط آنقدر مساعد است که کارگران میتوانند در ابعاد هزاران و دهها هزار نفری در شهرها دست در دست خانواده هایشان و جلو روی مردم اجتماعاتشان را برپا کنند، جشن طبقاتی شان را برگزار کنند، مشقات جامعه سرمایه داری را یادآوری و بردگی مزدی را نفی کنند و مطالباتشان را اعلام کنند...

مطالبات معلوم است. برای مثال دستمزد مطالبه ای است که بعضی از دولتیها هم خودشان به آن اعتراض دارند. دستمزدها امسال اضافه نشد، کم شد. یارانه ها حذف شد. گرانی آنقدر است که مردم پول آب و برق و گاز را نمیتوانند بپردازند. فردا نان هم نمیتوانند بخرند. این مطالبات حیاتی طبقه کارگر و مردم زحمتکش است. من مطمئنم اگر این اتفاق بیافتد، اگر اجتماعات شکوهمند کارگری در اول مه برپا شوند، با حمایت بسیار گسترده معلمان، کارمندان، جوانان، زنان و اقشار غیر کارگر همراه خواهد شد.

پرتو: مسئله دستمزدها، گرانی، قراردادهای موقت، حقوق های معوقه، شرایط عمومی کار، استخدامی و غیره همیشه مورد اعتراض کارگران بوده و تشکل های کارگری هم وجود دارند. الان ده روزی به اول مه روز جهانی کارگر باقی مانده است. فکر میکنید در اول ماه مه امسال سمت و سوی این اعتراضات و تشکل های کارگری چگونه خواهد بود. آیا اول مه موفقی را میتوان انتظار داشت؟

مظفر محمدی: اول مه امسال صرف نظر از ویژگیهایی که گفتیم، از قبیل تحولات منطقه، تجارب خود کارگران...، از جمله در ایران امسال با اول ماه مه ی روبرو هستیم که بیشترین تعرضات به سطح معیشت طبقه کارگر صورت گرفته است. و این پیامی است برای کل طبقه کارگر در ایران. اول مه روزی است که در آن کارگران می توانند این تعرض را جواب بدهند و صدایشان را بلند کنند که این وضعیت را نمی پذیرند. از طرفی یارانه ها را حذف کرده اند و اجناس چند برابر گران شده و دستمزد ۹ درصد افزایش پیدا کرده، که به طور واقعی افزایش پیدا نکرده است. این بی احترامی به کارگر، به خانواده و به فرزندان است. و توهین است به او و محکوم کردنش به مرگ





تدریجی است. بنابراین این روزی است که نباید از آن صرف نظر کرد و کارگران در ابعاد دهها هزار نفری در شهرهای ایران و کردستان به همدیگر پیوندند و این صدای اعتراض را به گوش دولت و جامعه برسانند. امیدوارم این سکویی بشود که طبقه کارگرتواند در فردای اول ماه مه حول این خواستها و علیه تعرضی که به سطح معیشتش شده متحد و متشکل شود. امیدوارم این حلقه ای باشد برای اتحاد و تشکل کارگران بعد از اول مه.

پرتو: تا جایی که به نوشته ها، پیامهای حزب حکمتیست در رابطه با اول مه برگردد، تاکید زیادی هست که کارگران در مراکز کارگری اول ماه مه را ترتیب دهند و تجمعاتشان را برگزار کنند. وقتی به کردستان نگاه میکنیم آیا این مراکز چه نقشی میتوانند ایفا کنند و چه باری را میتوانند به دوش بکشند؟

مظفر محمدی: راستش نمیشود نسخه از پیشی داشت. من فکر می کنم مگر اینکه کارگر را مجبورکنند که اول مه را در کارخانه بماند و مراسم برگزار کند، وگرنه اول مه باید کار تعطیل باشد. بعضی وقتها کارفرما کارگران را مجبور یا تهدید میکند که باید به سر کارهایشان برگردند. اگر کارگر واقعا مجبور باشد سرکار برگردد آنوقت مجبور است کارش را یک نصف روز یا چند ساعتی تعطیل کند و در سالن کارخانه اش مراسمی برپا کند. با توجه به اینکه مراکز کار با چند هزار نفر کارگر در کردستان کم تر است و بعید است بتوان بقیه کارگران را به این و آن مرکز کارگری کشاند.

بنا بر این فکر می کنم که برپایی تجمعات اول مه می تواند خیلی فراتر از مراکز کارگری باشد. گفتم مگر اینکه کارگر ناچار شود در کارخانه و محل کارش بماند. همانطوری که گفتم سندیکای خبازان چند هزار کارگر دارد، اگر تعطیلی اول مه را فرض بگیریم، آنجا حداقل چند هزار کارگر از جاهای مختلف میتوانند جمع شوند.

اگر بخواهیم توده وسیعی از خانواده های کارگری و فرزندان کارگران در جایی جمع شوند جشن بگیرند و حرف بزنند و مطالباتشان را بگویند و آژیتاسیون سوسیالیستی بکنند، بهترین جا آن جایی است که بیشترین کارگر در آن جمع میشود. از یک مرکز کارگری که کارگران دیگر هم بتوانند به آنجا بروند، تا

سندیکای خبازان یا پاتوق های کارگری در شهرها، یا اگر امکان داشته باشد کارگران در خیابان رژه بروند و ... راههای گوناگونی هست. و به این بستگی دارد که فعالین و رهبران کارگری چقدر کارگران و خانواده های کارگری را بسیج و آماده کرده اند. اگر از هر کوچه و محله ای صدها و هزاران کارگر با خانواده هایشان دست در دست هم به طرف محل های تعیین شده سرازیر شوند و اجتماع کنند و جشن شان را بگیرند، فکر میکنم هیچ نیرویی نمیتواند جلویشان را بگیرد. برعکس آنوقت دولتی ها مجبورند از کارگران خواهش کنند که آرام باشید و کارتان را بکنید.

این اقدام در همان حال تلاشهای خانه کارگر و ادارات کار رژیم برای کشاندن بخشی از کارگران به مراسم های دولتی را خنثی می کند. اینجا اضافه کنم که اگر اول مه را به یک اعتصاب عمومی تشبیه کنم، شرکت در مراسم های خانه کارگر و اداره کار رژیم، مثل اعتصاب شکنی است. مراسم های توده ای کارگری در اول مه این فرصت و شانس را به آن بخش از کارگران که دنبال خانه کارگر می روند می دهد که این نقش را بازی نکنند.

پرتو: مساله دیگری که همیشه در اول مه ها مطرح میشود، قطعنامه های اول مه است. بخصوص در کردستان که قطعنامه های مشهور کارگری داشته ایم، آیا قطعنامه ها و چگونگی تنظیم آنها مسئله مهم و درخور توجهی است؟

مظفر محمدی: تا جایی که به تجربه من برمی گردد، راستش خاطره خوشی از قطعنامه نویسی ها ندارم. بارها اتفاق افتاده که قطعنامه نوشتن باعث شده که فعالین کارگری چند شقه شوند. یکی میگوید این بندش کم است دیگری میگوید آن بندش زیاد است... بعضا گرایشاتی که در میان کارگران هستند و حامل سنت های سکتاریستی و غیرکارگری اند، موجب تفرقه شده اند. اگر قطعنامه باعث تفرقه شود باید آنرا به دور انداخت. قطعنامه که مشکلی را حل نمیکند.

اگر رهبر کارگری در تجمعات اول مه حرفش را بزند و آژیتاسیون بکند همان قطعنامه اش است. اگر روی کاغذ بیاید حتما مقدس است؟ به نظر من اینطور نیست. اگر قطعنامه مینای دعوا در میان فعالین کارگری نشود که نباید بشود، خیلی کار آسانی است. هر کارگری میتواند بگوید چه میخواهد.

قطعنامه اول مه اولاً یک ادعا نامه علیه نکبت های نظام سرمایه داری برای بشریت است. خوشبختانه در میان فعالین کارگری کردستان آژیتاتورهای سوسیالیست زیادی وجود دارند که علیه سرمایه داری و شقاوتش آژیتاسیون میکنند و تبلیغ میکنند، کار مزدی و سرمایه داری را محکوم میکنند، برده گی مزدی را محکوم میکنند و اینکه کارگر صاحب اصلی جامعه است و... کارگران همه اینها را می دانند. بنا بر این همچنانکه گفتم پیام کارگران در اول مه بیان یک ادعا نامه علیه سرمایه داری است و مطالباتی که همه می دانند. از قبیل افزایش دستمزد به نسبت تورم و گرانی، مساله حذف یارانه ها، حقوق های معوقه که در خیلی جاها هنوز هست، لغو قراردادهای موقت، تعطیلی روز اول مه، ازادیهای سیاسی و اجتماعی و ازادی رهبران کارگری زندانی و همه زندانیان سیاسی...

لازم نیست ۲۰-۳۰ تا مطالبه ردیف کرد. اول مه روزی نیست که مطالبات کارگری را متحقق میکند. بحث اینست که آیا تجمعات و اتحاد و همبستگی طبقه کارگر در اول مه کمک می کند که کارگران روزهای بعد از اول مه متشکل شود، متحد شود، سندیکا و شورایش را بسازد، جنبش جامعه عمومی اش را برپا کند و فعالینش بیشتر متحد شوند؟ اگر قطعنامه متحد کننده باشد، به نظر من هر تک فعال کارگری هم میتواند بنشیند و قطعنامه بنویسد. مطلقاً این نباید مورد دعوا باشد و نباید بر سر آن جنجال راه انداخت. اگر کار به اینجا بکشد من باشم جای هر فعال کارگری میگویم لطفاً آن را کنار بگذارید. نمیخواهیم. فردا علی و حسن و احمد بروند حرف بزنند و آژیتاسیون کنند و مطالبات کارگران را اعلام کنند و این قطعنامه ما است.

پرتو: هم اکنون در کردستان عراق، از جمله در سلیمانیه یک جنبش اعتراضی در جریان است. میتینگها و اعتراضات مردم زحمتکش در جریان است. در پیامی که تشکیلات کردستان حزب حکمتیست منتشر کرده، خواسته شده که در آستانه اول مه امسال کارگران و مردم زحمتکش کردستان ایران حمایت خود را از مبارزات زحمتکشان کردستان عراق اعلام کنند. چرا این اهمیت دارد و چگونه میشود این کار را کرد؟

مظفر محمدی: جنبش اعتراضی مردم کردستان عراق با مطالبه رفاه و آزادی،



سفر احمدی نژاد به کردستان دهن کجی به مردم است

استاندار کردستان اعلام کرده است که احمدی نژاد و هیاتی از دولتش روز ۴

شنبه به کردستان سفر می کنند. استاندار مزدور اظهار امیدواری کرده است که مردم از رییس جمهور استقبال کنند و وفاداریشان را به "نظام مقدس اسلامی" نشان دهند.

سفر مقامات دولتی جمهوری اسلامی به کردستان همواره با تشدید فضای پلیسی و امنیتی و میلپتاریزه کردن شهرها و بویره شهر سنجده همراه بوده است. کارگران و مردم زحمتکش کردستان طی سه دهه مبارزه بی امان علیه جمهوری اسلامی، هیچوقت این رژیم را تایید نکرده و در صف مقدم تلاش برای به زیر کشیدن آن و مبارزه برای آزادی و برابری بوده اند. سفر احمدی نژاد و هیات دولتش جز نشان از پررویی و بی شرمی این دولت و جز دهن کجی به مردم کردستان نیست. رژیم که در ۴ شنبه سوری و نوروز

امسال به نیروی انتظامی و لباس شخصی هایش اکتفا نکرده و شهر سنجده را با نیروهای مخصوص سپاه پاسداران اشغال کرد، دولتی که هیچگاه شمشیر کشتار و اعدام را بر بالای سر فرزندان مردم و انسان های آزادیخواه در کردستان بر نداشته است، رژیمی که بهمراه سلفی های هم مسلک خود، هر از گاهی سناریوی ترور و رعب و وحشت در شهرهای کردستان برپا می کند...، رییس جمهور و نمایندگان این رژیم و دولت جز تنفر و بیزاری مردم کردستان را نباید انتظار بکشند.

اگر فضای آزادی بود و احمدی نژاد جرات می کرد مانند یک شهروند این مملکت به میان مردم برود، کارگران و زحمتکشان و خانواده های داغیده اعدام شدگان کردستان، به روی این جنایتکاران تف می انداختند و با اردنگی بدرقه شان می کردند

سفر احمدی نژاد این مرتجع ریاکار به

کردستان که فکر می کند با خرافات و حماقتهایش می تواند سرکوب عریان و ارعاب و سرنیزده نظامیانشان را لاپوشانی کند، نه تنها خوشایند مردم کردستان نیست، بلکه توهین و دهن کجی به مردم است. سفر هیات دولت جمهوری اسلامی به کردستان در آستانه اول مه توهین به کارگران کردستان است که رهبران و فعالانشان را به خاطر برپایی مراسم اول مه روز جهانی کارگر شلاق زدند و به زندان انداختند!

جمهوری اسلامی با احمدی نژادها و خامنه ای ها و خاتمی و رفسنجانی و موسوی هایش باید بروند. این حکم میلیونی مردم ایران از زن و مرد و پیر و جوان است. و این جواب کارگران و مردم کردستان به حضور نمایندگان استعمارگران، سرکوبگران و مرتجعین و دشمنان آزادی و بشریت است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۸ فروردین ۹۰ (۱۸ آوریل ۲۰۱۱)



برای کارگران در کردستان ایران بسیار با اهمیت است. یکی از اهمیت هایش این است که این اعتراضات باعث شده اند و به اثبات رساندند و این پیام را رسانده اند که دیگر ناسیونالیسم نماینده هیچ منفعتی از کارگران و مردم زحمتکش نیست. این اعتراضات اجتماعی و انقلابی پوزه ناسیونالیسم در کل منطقه را به خاک مالیده است. این اتفاقی است که توسط کارگران و مردم زحمتکش کردستان عراق انجام شده است. یکی از صحنه های باشکوه این اوضاع رژه کارگران ساختمان سازی سلیمانیه با صف مستقل و پلاکارد و شعار کارگری خود که به سمت میدان آزادی شهر حرکت کردند. این اوضاع زمینه بسیار مساعدتری برای کارگران در کردستان ایران فراهم کرده است. باید از این فرصت استفاده کرد و به استقبال آن رفت

این جنبش اعتراضی شایسته بیشترین توجه و احترام و حمایت است. کارگران در کردستان ایران حداقل کاری که می توانند بکنند این است که پاسخ شایسته مبارزات انقلابی هم سرنوشتان خود را بدهند و از آنان حمایت کنند. نمیشود یک جنبش اعتراضی شریف و انساندوستانه و آزادیخواهانه بغل گوشت باشد و باری از دوشت بردارد و فضای خوب و مناسبی را فراهم کند و تو ساکت باشی. سکوت

همچنین مجددا تاکید می کنم که ما متأسفانه ما تا حال زورمان نرسیده، حمایت عملی کارگران و مردم زحمتکش کردستان ایران را از جنبش اعتراضی مردم کردستان عراق جلب کنیم. یک دلیلش موضعگیری خیانتکارانه احزاب و جریانات ناسیونالیست و قوم پرست کردستان ایران در قبال جنبش آزادیخواهانه و حق طلبانه کارگران و زحمتکشان کردستان عراق و حمایت

ضمنی جریاناتی که خود را کمونیست می نامند از احزاب حاکم است. ما در این راستا میتوان گفت تنها مانده ایم. این وظیفه تماما بر عهده کارگران کمونیست و سوسیالیست و رهبران عملی کارگری افتاده است که اهمیت طبقاتی و تاریخی حمایت از همسرنوشتان و همزمان خود در کردستان عراق و در میدان آزادی سلیمانیه را دریابند. این یک توقع کاملا به جا و یک ضرورت تاریخی است که کارگران در کردستان در اول مه امسال این شانس را از خود نگیرند و یک حمایت قاطع و شفاف از این جنبش به عمل بیاورند. ما این حمایت و همبستگی را به جنبش اعتراضی و انقلابی کارگران و زحمتکشان کردستان عراق مدیونیم.

اول ماه مه پیروزمندی را برای همه کارگران و خانواده هایشان آرزو میکنم.

جایز نیست. این جنبش اعتراضی شایسته بیشترین و بهترین حمایت و بالاترین میزان همبستگی کارگران کردستان ایران بخصوص در اول مه است. کارگران در سخنرانیهایشان و یا در قطعنامه هایی اگر داشته باشند و در بهترین حالت با فرستادن پیام های همبستگی مستقیم خود، از کارگران و جنبش اعتراضی زحمتکشان کردستان عراق، حمایت عملی و بی دریغ شان را اعلام کنند.

پرتو: کمیته کردستان حزب حکمتیست تلاش جدی ای برای دخالت و تأثیر گذاری بر مراسم بزرگداشت اول مه در کردستان انجام می دهد. در پایان این گفتگو چه پیام و توقع و انتظاری برای برگزاری یک مراسم موفق کارگری در اول مه امسال دارید؟

مظفر محمدی: من فقط میتوانم آرزو کنم که هیچ کارگر و خانواده کارگری در این روز در خانه ننشینند. کارگران سر کار نروند. به فراخوان فعالین و رهبرانشان توجه کنند. ببینند کجا قرار است تجمعات شکل بگیرد دستجمعی به آنجا بروند. از هر محله و منطقه ای به آنجا روانه شوند، در صفوف هزاران و دهها هزار نفری جمع شوند، جشن بگیرند و مراسم برپا کنند، رژه بروند...

کردستان عراق، دو ماه جدال برای آزادی

انسانی را دیگر نمی توان با زور و قهر به عقب نشاند. تاریخ را نمیتوان به عقب برگرداند. مردم آزادیخواه و برابری طلب نمی خواهند مثل سابق زندگی کنند و بورژوازی ستمگر و غارتگر ثروتهای جامعه هم نمی توانند مثل سابق حکم رانی کنند و نخواهد توانست مردم بپا خاسته را به خانه بفرستند.

کارگران و زحمتکشان و انسان های آزادیخواه مصمم اند و می خواهند سرنوشت خود را با دستان خود تعیین کنند و تاریخ خود را خود بسازند و بنویسند. درود بر شما زنان و مردان و جوانان و آزادیخواهان شهر سلیمانیه!

شما شایسته یک زندگی آزاد و برابر، شایسته بیشترین احترام و بیشترین همبستگی و حمایت همه جانبه همسرنوشتان خود در کردستان ایران و در همه منطقه هستید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-

حکمتیست

۲۸ فروردین ۹۰
(۱۷ آوریل ۲۰۱۱)

گشتی" بقصد جلوی گیری از ادامه این راه پیمایی و پیوستنشان به آزادیخواهان میدان سرا، راه بندان ایجاد کرده ولی بعد از یک ساعت کشمکش، سرانجام دانشجویان از مانع ایجاد شده توسط پلیس، عبور کرده و خودشان را به میدان "سرا" رساندند. زنان و مردان آزادیخواه سلیمانیه بار دیگر پاسخ درخوری به مهاجمان مسلح احزاب حاکم دادند.

دو ماه از جدال برای آزادی و رفاه و علیه تبعیض و نابرابری و ستم احزاب بورژوازی حاکم می گذرد. میدان آزادی سلیمانیه، همچون میدان آزادی قاهره، همچون هر صدای آزادیخواهانه در کشورهای منطقه، هم برای حاکمان و هم برای کارگران و زحمتکشان و جوانان آزادیخواه و روشنفکران مترقی، سرنوشت ساز است. جدالی انسانی و قابل ستایش و قابل احترام برای بشریت امروز. تا همینجا هم حاکمان درس خوبی گرفته اند و هم ستمکشان و محرومان جامعه به قدرت خود پی برده و اراده و اعتماد بخود را باز یافته اند. این مبارزه شریف و

در شصتمین روز جنبش اعتراضی مردم آزادیخواه کردستان عراق در شهر سلیمانیه، بار دیگر نیروهای مسلح احزاب حاکم به اجتماع میدان آزادی "سرا" حمله کردند. پلیس و میلیشای احزاب با شلیک تیر هوایی و پرتاب سنگ و گاز اشک آور تلاش کردند مردم آزادیخواه را از میدان بیرون کرده و اجتماع شان بر هم زنند. حمله مهاجمان با اعتراض مردم روبرو شده و در این یورش وحشیانه ده ها نفر زخمی شده و به بیمارستان شهر منتقل شدند. تعدادی از نیروهای مهاجم هم توسط آزادیخواهانی که از اجتماع مسالمت آمیز خود دفاع می کردند زخمی شده اند. حمله مهاجمین با خشم مردم شهر مواجه شده و جمعیت بیشتری به طرف میدان سرازیر گشتند.

همزمان، دانشجویان دانشگاه سلیمانیه نیز همراه با معلمین مبارزانشان با تظاهرات و دادن شعار های آزادیخواهانه از دانشگاه خارج شده و با راه پیمایی از خیابانها بسوی میدان آزادی براه افتادند. پلیس مسلح احزاب در جلو پارک شهر "باغ

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی بپیوندید!



مردم آزادیخواه کردستان!

گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، آزادی انسان ها، برابری انسان ها، دفاع از حق برابر زن و مرد، حقوق کودک، آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دستاوردهای فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده و نیروی دفاع از حق شاد بودن و مرفه زیستن انسان ها است.

گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند
زنان و مردان آزادیخواه! جوانان انقلابی!

هر کجا هستید، در محله و در شهر و روستا گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید و از هر طریق که می توانید خود را مسلح کنید و با ما تماس بگیرید.
تلاش کنید در محل تان آزادی اندیشه و بیان و رفتار و فرهنگ انسانی و پیشرو، بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان، تعرض به حقوق کودکان و تبلیغات قوم پرستانه، حاکم باشد.
فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه را در محل گسترش دهید.

اکتبر (روز دوشنبه) هر دو هفته یکبار منتشر میشود

سر دبیر: مظفر محمدی

آدرس تماس و ارسال مطلب برای اکتبر:

mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت اکتبر:

www.oktoberr.org

تماس با دبیر کمیته کردستان

darabiabe@yahoo.com

عبدالله دارابی:

روابط عمومی کمیته کردستان

Rawabet.omumi.k@gmail.com

سالار کرداری

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۰۱۹۴۵۰۳